

بررسی و نقد تصویر دجال در دایرة المعارف ایرانیکا

حامد نظریپور^۱
مرضیه دژفر^۲

چکیده

در بین موضوعات مربوط به مهدویت، خروج فردی شرور در آخرالزمان با عنوان «دجال»، از جمله موضوعاتی است که مورد توجه محققان مسلمان و همچنین اسلام‌پژوهان غربی بوده است. دایرةالمعارف ایرانیکا یکی از دایرةالمعارف‌های انگلیسی زبان است که در مقاله‌ای به معرفی دجال پرداخته است. هدف مقاله پیش‌رو بررسی و نقد تصویر دجال در این دایرةالمعارف است. این پژوهش به روش اسنادی و توصیفی- تحلیلی انجام شده است. رویکرد «حامد الگار» در مقاله‌ای که عنوان شد، «پدیدار شناختی» است. این مقاله دربردارنده نکات مثبتی است، همچون استفاده از منابع سنی و شیعی، بیان و شرح دیدگاه‌های گوناگون، همچون دیدگاه عرفا و اندیشمندان متأخر درباره دجال. اما نویسندگان در موضوعاتی مثل واژه‌شناسی دجال، همه احتمالات را بررسی نکرده و استدلال‌های او درباره پذیرش یا رد یک احتمال قابل نقد و مناقشه است. استفاده صرف از منابع اهل سنت، عدم توجه به برخی از موضوعات مطرح شده در احادیث، عدم بررسی اسناد احادیث، تصور بی توجهی محققان اسلامی به حل تناقض‌های موجود در موضوع دجال؛ از موضوعات قابل نقد در این مقاله است.

واژگان کلیدی: حامد الگار، دجال، دایرةالمعارف ایرانیکا، مهدویت

۱. استادیار ادیان و عرفان گروه معارف اسلامی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) h.nazarpour@ltr.ui.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد شیعه‌شناسی دانشگاه اصفهان marziyehdezhfar@gmail.com

۱. مقدمه

«مهدویت»، یکی از مهم‌ترین آموزه‌های اسلامی به شمار می‌آید. اعتقاد به ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخرالزمان، دارای تأثیرات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بسیاری در جوامع اسلامی است. به همین دلیل، این موضوع از گذشته تاکنون مورد توجه محققان اسلامی و همچنین اسلام پژوهان غربی قرار گرفته است. خروج فردی شرور در آخرالزمان با عنوان «دجال» و ارتباطی که مباحث مربوط به او با مباحث مربوط به منجی مسلمانان پیدا می‌کند، یکی از موضوعاتی است که در میان مباحث مهدویت مورد توجه محققان قرار گرفته است. در این میان، تحقیقات مستشرقان به دلیل برخورداری از جایگاهی خاص در معرفی مبانی و آموزه‌های اسلامی به مردم جهان، دارای اهمیت به‌سزایی است. در میان آثار متعددی که به زبان انگلیسی درباره اسلام و تشیع به تحریر در آمده است، دایرةالمعارف‌ها جایگاه ویژه‌ای دارند؛ زیرا اغلب مقالات آن‌ها به وسیله استادان و محققان اسلام شناس غربی نوشته شده است و مقالات آن‌ها مرجع بسیاری از تحقیقات پژوهشگران دیگر قرار می‌گیرد. از اوایل قرن بیستم میلادی که با پیشرفت تکنولوژی و صنعت، امکانات اطلاع رسانی در همه حوزه‌ها، از جمله حوزه معرفت دینی در جهان فراهم‌تر شد؛ تکنگاری‌ها، علاقه‌مندان به پژوهش درباره ادیان گوناگون را قانع نمی‌ساخت؛ چرا که علاقه داشتند با جغرافیای کامل و ساختار جامع هر دین آشنا شوند. بر این اساس، تحقیق و تألیف‌های دینی به تدریج مسیر خود را از تکنگاری به سوی دایرةالمعارف نگاری تغییر داد و لذا به تدریج دایرةالمعارف‌ها، مرجع و مأخذ اصلی مطالعات پژوهشگران در رشته‌های مختلف علوم در سراسر کشورها شدند (زمانی، ۱۳۸۷: ص ۳۱۸).

دایرةالمعارف / ایرانیکا یکی از دایرةالمعارف‌های انگلیسی زبان است که به موضوعات دینی و مذهبی نیز پرداخته است. این دایرةالمعارف مهم‌ترین دایرةالمعارفی است که توسط محققان عمدتاً غربی در حوزه ایران‌شناسی تألیف شده است. مقالات این دایرةالمعارف در نشانی اینترنتی «<http://www.iranicaonline.org>» نیز در دسترس است. *ایرانیکا*، با همکاری دانشگاه کلمبیا در شهر نیویورک و با سر ویراستاری احسان یارشاطر و گروهی از ویراستاران، متشکل از محققان مشهور بین‌المللی در زمینه مطالعات ایرانی، تألیف شده است. مقالات این دایرةالمعارف، از منظر اعتبار علمی و استقلال سیاسی بررسی می‌شوند. چاپ اول دایرةالمعارف



در سال ۱۹۸۲ صورت گرفت و اولین نسخه دیجیتالی این اثر در سال ۱۹۹۶ رونمایی شد (<http://www.iranicaonline.org/pages/about>). بعضی از محققان، این دایرةالمعارف را نقطه عطفی در حوزه ایران شناسی می‌دانند و بر این باورند که به دلیل برخورداری این دایرةالمعارف از کیفیت مطلوب مقالات، دایرةالمعارف مذکور می‌تواند برای تألیف دایرةالمعارف‌های مشابه الگوی خوبی باشد (Banuazizi, 1990: p. 370).

مقالات *دایرةالمعارف ایرانیکا*، به مطالعه تمدن ایرانی در خاورمیانه، قفقاز، آسیای مرکزی و شبه قاره هند اختصاص یافته است. در این دایرةالمعارف مقالات بسیاری نیز به موضوع اسلام و مطالعات اسلامی اختصاص یافته و مورد توجه پژوهشگران غربی قرار گرفته است. مقاله «دجال» به قلم «حامد الگار»، یکی از مقالاتی است که با آموزه‌های مهدوی در اسلام و تشیع در ارتباط است.

هدف این پژوهش، بررسی و نقد تصویر دجال در این دایرةالمعارف، به روش اسنادی و توصیفی-تحلیلی است. مقاله پیش‌رو به دنبال پاسخ به این سؤالات است که دجال در *دایرةالمعارف ایرانیکا* چگونه معرفی شده و چه نقدهایی بر آن وارد است؟ منبع‌شناسی این مقاله چگونه است؟ دیدگاه‌های مطرح شده در آن تا چه میزان با باورهای شیعه مطابقت دارد؟ مروری بر پیشینه مسئله دجال و فعالیت‌های اسلام‌شناسان غربی، نشان می‌دهد که تاکنون درباره دیدگاه *دایرةالمعارف ایرانیکا* در این باره پژوهشی انجام نشده است. از این رو، نوآوری این مقاله مشخص می‌شود.

سیر بحث در این مقاله به این صورت است که پس از معرفی نویسنده، محتوای مقاله دجال در *دایرةالمعارف ایرانیکا* از حیث ساختار و محتوا مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرد.

۲. معرفی حامد الگار

حامد الگار در سال ۱۹۴۰، در خانواده‌ای مسیحی و آمریکایی - انگلیسی متولد شد. وی از محققان انگلیسی زبان در حوزه مطالعات اسلامی است که به دین اسلام و مذهب شیعه گروید. او به چند زبان زنده دنیا مسلط است (حسینی، ۱۳۸۷: ص ۲۵۰). وی تحصیلات خود را از سال ۱۹۵۹ در دانشگاه کمبریج آغاز کرد و پس از یک سفر مهم به برخی کشورهای اسلامی همچون



ترکیه، ایران، افغانستان در سال ۱۹۶۵، به دریافت مدرک دکترا از دانشگاه کمبریج موفق شد و در دیارتمان مطالعات شرق نزدیک تدریس را شروع کرد. او در زمینه ادبیات عربی، فارسی و ترکی دارای مطالعات فراوانی است و به تحقیق درباره شیعیان و صوفیان ایران و تأثیر آن‌ها بر جهان و به خصوص بر حکومت نقشبندیه علاقه مند است. آثار او تاکنون به زبان‌هایی چون آلمانی، فارسی و روسی ترجمه شده است. وی همچنین به دریافت دکترای افتخاری از دانشگاه تهران موفق شد (Algar, 1965). الگار انقلاب اسلامی ایران را مهم‌ترین واقعه تاریخ معاصر اسلامی می‌داند (Soage, 2005: p.428) و آثار برخی از پژوهشگران و اندیشمندان معاصر ایران، همچون کتاب ولایت فقیه امام خمینی علیه السلام، برخی از آثار شهید مطهری، علی شریعتی و سید محمود طالقانی را به انگلیسی ترجمه کرده است. او پژوهشگری توانا و پرکار است که تاکنون بیش از صد مقاله از او در *دائرة المعارف ایرانیکا* منتشر شده است.

برخی از تألیفات وی، از جمله «نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت ایران» (دین و دولت در ایران: نقش علما در دوره قاجار)، «ایران و انقلاب اسلامی»، «میرزا ملکم خان» و «شورش آقا خان محلاتی» به فارسی ترجمه شده است (حسینی، ۱۳۸۷: ص ۲۵).

۳. معرفی مقاله

الگار در مقاله مربوط به «دجال»، ابتدا به لغت‌شناسی و ریشه‌شناسی واژه «دجال» می‌پردازد. او سپس با ذکر این نکته که احادیث دجال در منابع اسلامی بسیار زیاد و اغلب متناقض‌اند؛ شرایط قبل از ظهور دجال را بر اساس احادیث بیان می‌کند. او به ابعاد مختلف موضوع دجال، همچون وجود خشکسالی در زمان خروج دجال، مکان خروج، ویژگی‌های فیزیکی وی (مانند تک چشم بودن)، انجام دادن اعمال خارق‌العاده و مکان‌هایی که از ورود دجال در امان هستند (از جمله مکه و مدینه و بارگاه ائمه اطهار علیهم السلام) اشاره می‌کند. او به شرایط فرهنگی و اجتماعی زمان خروج دجال و یاران وی نیز اشاره و در ادامه، احتمالات گوناگون را درباره هویت دجال بیان می‌کند و نیز احتمال وجود دجال‌های متعدد، دیدگاه‌های عرفا درباره دجال و برداشت‌های جریان‌انگاران توسط معاصران را مطرح می‌سازد. الگار با مقایسه دیدگاه‌های اهل سنت و شیعه در این زمینه، مقاله خود را به پایان می‌برد. اگر چه او در برخی از موارد به استدلال و اظهار نظر



درباره این دیدگاه‌ها می‌پردازد؛ به طور کلی معتقد است که نمی‌توان از احادیث موجود نتیجه‌گیری قطعی کرد.

در ادامه از دو جهت «شکلی» و «محتوایی» به بررسی و نقد این مقاله می‌پردازیم:

۴. بررسی و نقد مقاله

۴-۱. نقد ساختاری و شکلی

مطالب این مقاله، ذیل یک عنوان کلی؛ یعنی «دجال»، در ۱۸ بند نگارش یافته است. به رغم دسته‌بندی مطالب و بررسی ابعاد مختلف موضوع در بندهای جداگانه، عدم عنوان‌بندی مطالب ارائه شده، یکی از وجوه ضعف این مقاله به شمار می‌آید.

ارجاعات مقاله به شیوه درون‌متنی است که با ذکر نام نویسنده و شماره جلد و صفحه منبع بیان می‌شود. مشخصات کتاب شناختی تمام منابع ارجاعی در متن، در پایان، ذیل عنوان فهرست منابع ذکر شده است.

در مقاله از لحاظ نگارشی غلط‌آمیزی مشاهده نمی‌شود و نویسنده در آوانگاری‌ها دقت کافی داشته؛ اما در یک مورد نام «محمد بن شفیع بن محمد بن صالح» به اشتباه «محمد بن سفیع» (Mohammad-Safi) ذکر شده است. شکل صحیح آوانگاری آن بر اساس اصول آوانگاری ایرانیکا، به صورت «Mohammad-Šafi» است.

از دیگر اشتباهات نگارشی مقاله، این است که در بخش منابع، سال چاپ کتاب «التصریح بما تواتر فی نزول المسیح»، ۱۳۰۲ق ذکر شده که با مراجعه به اصل کتاب، مشخص شد که چاپ چهارم این کتاب که در قاهره منتشر شده، به سال ۱۹۸۲م، مصادف با ۱۴۰۲ق متعلق است.

۴-۲. منبع‌شناسی

در مقاله حاضر از ۷ اثر به زبان انگلیسی، ۱۰ اثر به زبان عربی، ۴ اثر به زبان فرانسه، ۹ منبع به فارسی، یک منبع به زبان ترکی و یک منبع هندی استفاده شده است. در میان این منابع، سهم کتاب‌ها بیش از مقالات است و تنها از دو مقاله دجال در *دایرة المعارف اسلام* در ویرایش اول و دوم بهره برده شده است. الگار از کتاب *تاج العروس* زبیدی و لغت‌نامه عربی-انگلیسی ادوارد



ویلیام لین در مبحث واژه‌شناسی استفاده کرده است. از میان آثار روایی متقدمان، صحیح بخاری و صحیح مسلم از مهم‌ترین کتاب‌های اهل سنت و کمال‌الدین و تمام النعمه از آثار شیعی در مقاله مذکور مورد استناد قرار گرفته‌اند. در چند مورد، از کتاب بحارالانوار (که از جوامع حدیثی متأخر شیعه محسوب می‌شود) استفاده شده است. ارجاع به منابع کم‌تر شناخته شده و فرعی، همچون کشف‌الحق خاتون آبادی، از دیگر ویژگی‌های این مقاله است. همچنین نویسنده به کتاب‌های عرفانی و تحلیل‌های عرفا در پژوهش خود توجه کرده است که از جمله این منابع می‌توان به کتاب‌های مرصاد العباد، مرموزات، فتوحات مکیه اشاره کرد. کتاب منتخب‌الاثیر (که مجموعه‌ای است معاصر، از احادیث مهدوی) نیز از منابع این پژوهش است. از آثار محمدرضا حکیمی و علی شریعتی، که از جمله منابع معاصر شیعی به شمار می‌آیند، نیز در این تحقیق استفاده شده است. کتاب‌های سیطره کمیت و علائم آخرالزمان، اسلام ایرانی و منجی‌گرایی اسلامی؛ از جمله کتاب‌های مستشرقان است که با رویکرد فلسفی و عرفانی نگارش یافته‌اند و مؤلف به آن‌ها استناد کرده است.

بهره مؤلف از کتاب‌ها و منابع گوناگون، گویای تسلط وی به زبان‌های مختلف است. همین امر سبب غنای مقاله از دیدگاه‌های مختلف دانشمندان در سراسر جهان اسلام و همچنین نظریه‌های مستشرقان موضوع مقاله شده است. در عین حال به‌عنوان نقد باید گفت، با وجود گستردگی منابع مورد استفاده در این مقاله، نویسنده به کتب اربعه شیعه توجهی نکرده است. اگرچه تعداد احادیث مربوط به دجال در این منابع انگشت‌شمارند؛ با توجه به اهمیت کتب اربعه نزد شیعه، در صورت نقل حدیث از آن‌ها اعتبار و ارزش مقاله الگوار افزایش می‌یافت. کتاب‌های الغیبه نعمانی و الغیبه شیخ طوسی که نسبت به آثاری همچون منتخب‌الاثیر و بحارالانوار از آثار متقدم شیعه محسوب می‌شوند و از مصادر نقل روایت در این کتاب‌ها بوده‌اند؛ نیز مورد استفاده قرار نگرفته‌اند.

۴-۳. نقد محتوایی

محتوای مقاله دجال در *دبیره‌المعارف ایرانیکا* دارای وجوه قوت و ضعفی است که در ادامه به توضیح آن‌ها می‌پردازیم:



۴-۳-۱. ارائه مطالب با نظم منطقی

یکی از وجوه قوت مقاله الگار، رعایت نظم منطقی در ارائه مطالب است. الگار در این مقاله کوشیده است ضمن توصیف ویژگی‌های دجال در منابع اسلامی، سیری منطقی از مباحث مربوط به دجال ارائه کند. بنابراین، به رغم عدم عنوان بندی جداگانه مطالب، سیری منطقی در ارائه مطالب رعایت شده است. این موضوع سبب انسجام مطالب در این نوشتار گردیده است؛ به گونه‌ای که مخاطب پس از مطالعه این مقاله، به تصویر واضح و روشنی از دجال در منابع اسلامی دست می‌یابد.

۴-۳-۲. رعایت امانت و دقت در نقل مطالب از منابع

«رعایت امانت» در نقل مطالب در هر نوشتار، از اصول اولیه اخلاقی در پژوهش به شمار می‌آید و اعتبار هر تحقیق تا اندازه زیادی به این موضوع وابسته است. همان‌گونه که اشاره شد، در نوشتار حاضر از ۳۲ منبع برای بیان مطالب استفاده شده است. اغلب آنچه در مقاله ادعا شده است، به حداقل یک منبع مستند می‌باشد.

او برای رعایت بیش‌تر امانت در ارائه مطلب، هرگاه خود مستقیماً مطلبی را مشاهده نکرده، بلکه از دیگری نقل قول کرده باشد، در ارجاع از عبارت «به نقل از» استفاده می‌کند (Algar, 2011).

نویسنده علاوه بر ارجاع به منابع مختلف، گاه از عبارات اصلی که به زبان عربی در متون حدیثی و قرآنی آمده، استفاده کرده و آوانگاری آن‌ها را نیز آورده است. به عنوان نمونه: “ahl” و “al-lahw” و “al-masīh al-dajjāl”. او علاوه بر استفاده از روش نقل قول غیر مستقیم در نقل مطالب، گاه برخی از آیات قرآن و احادیث را به صورت نقل قول مستقیم عیناً در کمانک ذکر می‌کند. این امر علاوه بر آن که سبب آشنایی بهتر مخاطب با اصطلاحات اسلامی و آیات قرآن و احادیث در این موضوع می‌شود؛ گویای امانتداری و دقت نویسنده در نقل مطالب است که به اعتماد بیش‌تر خواننده به مقاله حاضر منجر خواهد شد.

۴-۳-۳. ارائه مطالب گسترده به صورت مختصر و مفید

تعداد بسیاری از روایات مربوط به آخرالزمان در احادیث اسلامی، به خصوص در منابع اهل



سنت به موضوع دجال اختصاص یافته است؛ تا آن جا که برخی از محققان این احادیث را در کتاب‌های مستقلی گردآوری کرده‌اند (به عنوان نمونه کتاب *دجال آخرالزمان* به قلم حیدر کامل). مقاله مورد بحث با حجمی حدود ۳۰۰۰ کلمه، بسیاری از رؤس مطالب مربوط به دجال، از جمله ویژگی‌ها، مکان خروج، نحوه کشته شدن و برخی از مهم‌ترین تحلیل‌های محققان را در این باره بیان کرده است؛ به گونه‌ای که خواننده با مطالعه آن، می‌تواند با مشهورترین احادیث دجال در منابع اسلامی آشنایی یابد.

۴-۳-۴. استفاده از منابع شیعی

عدم استفاده از منابع شیعی در تألیف مدخل‌های دایرةالمعارف‌های انگلیسی زبان درباره اسلام و مسلمانان، همواره انتقادهای بسیاری را از جانب مسلمانان برانگیخته است. در پژوهش مورد بحث، تعداد کتاب‌هایی که از اهل سنت استفاده شده است، از آثار شیعی بیش‌تر است. نویسنده از آثار شیعیان نیز در پژوهش خود بهره برده است. برخی از مهم‌ترین کتاب‌های شیعیان که در این مقاله مورد استناد مؤلف قرار گرفته‌اند، عبارتند از: *کمال‌الدین و تمام‌النعمة*، *بحارالانوار و منتخب‌الائتر*. بنابراین، استفاده از منابع شیعی، در تحقیق حاضر یکی از وجوه تمایز و وجوه قوت آن نسبت به بسیاری از پژوهش‌های مستشرقان است.

۴-۳-۵. ذکر دیدگاه عرفا درباره دجال

در این مقاله به بیان آرا و نظریات عرفا و همچنین متفکران مسلمان درباره دجال نیز توجه شده است. نویسنده به بیان آرای عرفای بزرگی چون ابن عربی و نجم‌الدین رازی درباره دجال اشاره کرده است و در این باره می‌گوید:

ابن عربی و پیروان مکتب او مجموعه دجال‌ها را همان کسانی می‌دانند که در قرآن «اولیاء الشیطان» نامیده شده‌اند. اولیای شیطان، گروهی از شیاطین هستند که مقابل جمعی از قدیسان یا حتی مقابل ۲۷ پیامبری که ابن عربی در *فصوص‌الحکم* بحث می‌کند، قرار می‌گیرند. به طور کلی صوفیان، حیل‌های شیطانی مدعیان دروغین تقدس را بر اساس معجزات دروغینی که دجال انجام می‌دهد، دسته بندی کرده‌اند. او همچنین به دیدگاه‌های علاءالدوله سمنانی و عبدالکریم رازی در این باره اشاره می‌کند (Algar, 2011).



بیش‌ترین توجه پژوهشگران در تحقیقاتی که درباره دجال انجام شده است، به احادیث و روایاتی معطوف است که در این باره در منابع حدیثی ذکر شده است. کم‌تر تحقیقی را در این موضوع می‌توان ملاحظه کرد که به دیدگاه‌های عرفا در این زمینه پرداخته باشد. بنابراین، توجه به دیدگاه عرفا در این موضوع، یکی از وجوه قوت مقاله مورد بحث به شمار می‌آید. استفاده از این منابع گویای علاقه نویسنده به مباحث عرفان اسلامی و تسلط وی بر این مقوله است. البته در برخی موارد، الگار به خود آثار عرفانی مراجعه نکرده و از منابع دیگر، نظریات آن‌ها را نقل می‌کند.

با توجه به نگاه باطنی و منحصر به فردی که عرفا از موضوع دجال ارائه می‌کنند، شاید بتوان دیدگاه آنان را از اولین دیدگاه‌های نمادگرایانه از دجال دانست؛ چنان که رازی در این باره می‌گوید:

و بدان که هرچه در عالم صورت هست، جمله عکس عالم معنا است و از هرچه در عالم صورت و معنا هست، نموداری از آن در انسان هست. پس نمودار عیسی در تو روح توست. او را گفت: «فنفخنا فیه من روحنا» و تو را گفت: «و نَفَخْتُ فِیْهِ مِنْ رُوحِی». عیسی مرده زنده کند. عیسی مادر داشت و «نفخه»، او را به جای پدر بود، روح را مادر عناصر است و نفخه به جای پدر. عیسی، علوی است و روح علوی، عیسی کلمه است و روح کلمه که: «من امر ربّی». عیسی خری داشت روح هم خر قالب دارد و نمودار دجال، در تو نفس اماره توست، دجال یک چشم است نفس تو یک چشم دنیابین است و به چشم آخرت بین کور است... (رازی، ۱۳۵۲: ص ۱۴۰-۱۴۱).

تفسیرهای نمادگرایانه به دجال، در آثار عرفای دیگری، همچون لاهیجی دیده می‌شود. او اعور بودن دجال را نشانه نایبنا بودن چشم باطنی و معنوی دجال می‌داند که مردم را گمراه می‌کند (اسیری لاهیجی، ۱۳۱۲: ص ۱۹۹). همچنین در کتاب *اسرار المعارف*، دجال همان نفس حیوانی معرفی شده است که با ظهور انسان کامل منقلب و ملکوتی می‌شود (صفی علیشاه، ۱۳۶۰: ص ۶۹).

۴-۳-۶. بررسی واژه شناسی دجال

از نظر مقاله مذکور، دجال در احادیث اسلامی، فرد شروری است که حکومت او از علائم



رستاخیز به شمار آمده است. الگار همچنین در بخش ریشه‌شناسی واژه دجال، احتمالات گوناگونی را بیان کرده است، که عبارتند از: سریانی بودن، عربی بودن و ایرانی بودن واژه مذکور. در ادامه به شرح و نقد هریک از این دیدگاه‌ها می‌پردازیم:

الف) یکی از احتمالاتی که به وسیله برخی از اندیشمندان غربی، مطرح شده است، احتمال سریانی بودن واژه دجال است، که در مقاله مذکور نیز بازتاب یافته است. الگار در این زمینه می‌گوید: «واژه دجال را دارای ریشه سریانی دانسته‌اند، که تا حدودی به دلیل عدم کاربرد آن در قرآن است» (Algar, 2011). سزاوار بود الگار، پس از نقل این مطلب، به دلایل ضعف این نظریه بپردازد؛ زیرا در زبان عربی واژه‌های متعددی وجود دارند که در قرآن به کار نرفته‌اند. علاوه بر آن، کاربرد یک واژه در قرآن کریم به معنای عربی بودن ریشه آن لغت نیست؛ زیرا لغت‌های فراوانی همواره از زبانی به زبان دیگر وارد می‌شوند و در گفتار و نوشتار ملل مختلف به کار می‌روند. زبان عربی نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ چنان‌که در قرآن کریم برخی از واژه‌های غیر عربی به کار رفته است، همچون واژه‌های ارائک و اُباریق (سیوطی، بی‌تا: ج ۱، ص ۶۵ و ۶۸).

علاوه بر آن، مطلب نقل شده، تنها به مقاله دجال در *دایرةالمعارف اسلام* ارجاع داده شده، که از منابع دست اول محسوب نمی‌شود. ایبل در مقاله دجال در *دایرةالمعارف اسلام*، به صراحت شخصیت دجال را ترکیبی از مواعظ عیسی علیه السلام برای حواریون و برخی کتاب‌های دیگر مسیحی می‌داند (Abel, 1986: v. 2, p. 76- 77) و حدیث نبوی را که فرمود: هیچ پیامبری نیامد؛ مگر آن‌که از خطر دجال انذار داد (صدوق، ۱۳۵۹: ج ۲، ص ۵۲۹ و طیالسی، ۱۴۲۰: ج ۳، ص ۴۶۸)؛ نادیده گرفته است.

ب) الگار به دیدگاه‌های برخی از لغت‌شناسان عرب در این مورد، همچون احتمال مشتق شدن واژه دجال از ریشه‌هایی چون «دَجَلٌ»، «دَجَلٌ» و «دُجَالَهُ» اشاره کرده است. الگار تعدد این معانی را سبب شک و تردید در صحت ریشه‌شناسی آن‌ها می‌داند؛ اما از نظر وی تناسب معنایی آن‌ها با واژه دجال قابل ملاحظه است (Algar, 2011).

ج) نویسنده مقاله همچنین بر این باور است که واژه دجال فاقد ریشه فارسی است و در این زمینه می‌گوید: «منجی در سنت دینی ایرانی همتای شرور ندارد» (Ibid). این نکته در حالی

گفته می‌شود که در ادیان ایران باستان همواره بر این مطلب تأکید شده است که منجیان در برابر اهریمنان قیام خواهند کرد و با ظهور آخرین منجی در این دین، تسلط اهریمن نیز به پایان خواهد رسید (سیفی، ۱۳۹۲: ص ۱۱۹). یکی از این منجیان، «اوشیدر» نام دارد، که «ضحاک» در زمان او خروج می‌کند. وی اهریمنی است که سه سر و شش چشم دارد و انباشته از میل به تخریب است. در ادبیات پهلوی، وی نمونه یک مرد ستمگر است و از نژاد سامی است و آیین‌های بد را به وجود می‌آورد. با توجه به آن که ظهور ضحاک یا اژدهاها در پایان هزاره اوشیدر ماه است؛ در حقیقت او، از نشانه‌های پیش از ظهور سوشیانس، آخرین منجی زرتشتیان، محسوب می‌شود (ابراهیم، ۱۳۸۱: ص ۴۷-۴۸). بنابراین، عدم رقیب شرور برای منجی ایرانی، برای نپذیرفتن ریشه‌های ایرانی واژه‌ی دجال، دلیل کافی نمی‌باشد.

الگار، به رغم بررسی ابعاد مختلف واژه دجال، از ذکر این احتمال که ممکن است «ال» در واژه دجال همچون «ال» در کلمات حزقیال و دانیال به معنای خدا باشد؛ صرف نظر کرده است (دوانی، ۱۳۸۴: ص ۹۷۳).

۵) نویسنده علل ضد مسیح نامیدن دجال را بر شهرت وی به «مسیح الدجال»، انجام دادن اعمال خارق‌العاده‌ای که وی همچون حضرت عیسی علیه السلام انجام می‌دهد و همچنین کشته شدن وی به دست حضرت مسیح علیه السلام مبتنی می‌داند (Algar, 2011).

اگرچه این علل قابل تأمل است؛ برخی دیگر از پژوهشگران بر این باورند که نفوذ اسرائیلیات در احادیث نبوی و دشمنی یهودیانی چون کعب‌الاحبار در جامعه اسلامی، دلیل ملقب شدن دجال به «مسیح الدجال» است (کورانی، ۱۴۳۰: ص ۳۲). همچنین بعضی دیگر از پژوهشگران، بر این باورند که دجال را از این رو «مسیح الدجال» نامیده‌اند که یکی از چشمان او به وسیله خدا «مسح» شد و او «اعور» گردید (قبانچی، ۱۴۲۷: ص ۱۷۳).

بنابراین، الگار در بخش واژه‌شناسی احتمالات گوناگون را بررسی کرده است؛ اما برخی از تحلیل‌ها و استدلال‌های وی در این باره قابل نقد است؛ ضمن این که از ذکر برخی از ریشه‌های احتمالی این واژه صرف نظر کرده است.

۴-۳-۷. تأکید بر دیدگاه‌های اهل سنت در تحلیل‌ها

حامد الگار، اگرچه با توجه به گرایش مذهبی خویش به شیعه امامیه و مطالعات فراوان در این زمینه، از منابع شیعی نیز در تحقیقات خود بهره برده و دیدگاه‌های منصفانه‌تری نسبت به سایر مستشرقان اتخاذ کرده است؛ همچنان در برخی از ارجاعات و استدلال‌های خود، تنها از منابع اهل سنت بهره برده و به آثار و دیدگاه‌های علمای شیعه اشاره نکرده است. در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) قاتل دجال: الگار با اشاره به این مطلب که بر اساس اغلب احادیث اهل سنت، حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام به حکومت دجال پایان خواهد داد؛ در این زمینه می‌نویسد: «درحقیقت این اولین وظیفه عیسی پس از بازگشت او به زمین خواهد بود» (Algar, 2011).

الگار احادیث اهل سنت را در این مورد قابل قبول می‌داند؛ زیرا بنا بر بسیاری از احادیث، دجال «مسیح الضلالة» نام گرفته است. او رقیب شرور عیسی عَلَيْهِ السَّلَام است که همانند عیسی نابینا و جزامی را شفا می‌دهد. الگار همچنین به این نکته اشاره می‌کند که بر اساس برخی از منابع اهل سنت و همه منابع شیعی، دجال به وسیله حضرت مهدی عَجَلُ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام کشته خواهد شد. او این عقیده را با نقش منجی‌گرایانه مهدی عَجَلُ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام در ادبیات آخرالزمانی هماهنگ می‌داند. بنابراین، او کسی است که باید انسان‌ها را از ظهور زشتی‌ها، یعنی دجال، نجات دهد. او درباره راه حل ارائه شده به وسیله برخی از اهل سنت درباره این موضوع که چه کسی دجال را خواهد کشت؛ می‌گوید:

برخی از منابع سنی راه حلی برای جمع این دو [کشتن دجال به دست مهدی عَجَلُ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام یا عیسی عَلَيْهِ السَّلَام] ارائه و پیشنهاد کرده‌اند که در واقع این عیسی عَلَيْهِ السَّلَام است که دجال را خواهد کشت؛ اما این کار را از طرف مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و تحت حاکمیت او انجام خواهد داد. (Ibid).

سخن الگار درباره دیدگاه اهل سنت در این موضوع صحیح است؛ اما دیدگاه‌های علمای شیعه را نادیده گرفته است. او در این زمینه تنها به کتاب «التصريح بما تواتر في نزول المسيح»، اثر محمد انور شاه کشمیری (از علمای حنفی مذهب در کشمیر) استناد کرده است. این، در حالی است که علمای شیعه، از جمله آیت‌الله صدر، نیز به این موضوع اشاره کرده‌اند. آیت‌الله صدر درباره این سوال که چه کسی دجال را به قتل می‌رساند؛ معتقد است عیسی عَلَيْهِ السَّلَام به صورت



مستقیم او را می‌کشد و کشته شدن دجال به وسیله حضرت مهدی عجّل الله فرجه الشریف به دلیل آن که احکام حکومتی جز به وسیله فرمانده صادر نمی‌شود؛ به ایشان نسبت داده شده است؛ چنان که وقتی گفته می‌شود: امیر شهر را فتح کرد، به معنای آن است که شهر به امر و دستور او و به وسیله سپاهیان‌ش فتح شده است. و لذا بین این مطلب که کشتن دجال را به حضرت مهدی عجّل الله فرجه الشریف نسبت بدهیم یا به حضرت عیسی علیه السلام، اختلافی وجود ندارد (صدر، ۱۴۱۲: ج ۳، ص ۱۴۶).

ب) تفاسیر نماد گرایانه و مدرن از دجال: نظریه دجال جهانی و دجال اسلامی که توسط سعید نورسی بیان می‌شود، و بر تفکر بلشویکی و مصطفی آتاتورک دلالت می‌کند و همچنین دیدگاه نمادگرایانه محمد اسد در تفسیر تکنولوژی به معجزات دروغین دجال و دیدگاه‌های رنه گنون که دجال را نماد دوران پس از ماتریالیسم می‌داند؛ از جمله تفاسیر بیان شده درباره دجال در مقاله پیش گفته است. الگار بر این باور است که به دلیل ارتباطی که ظهور مهدی عجّل الله فرجه الشریف با دجال در اعتقاد شیعیان دارد؛ تفاسیر نماد گرایانه در ایران بسیار محدود است و دیدگاه شریعی در تفسیر دجال به انسان تک‌ساحتی هربرت مارکوزه تأثیر چندانی بر آرای متفکران شیعی نداشته است (Algar, 2011).

این، درحالی است که علاوه بر شریعی، برخی دیگر از متفکران معاصر شیعه همچون آیت الله صدر به تفاسیر رمز گونه درباره احادیث دجال پرداخته و بر این باورند که بدون تفسیر رمز گونه کنایه‌ای از این احادیث نمی‌توان تفسیر صحیحی از آن‌ها ارائه کرد؛ زیرا بیش تر این احادیث، اخبار واحدند و بر صدور معجزه از یک کافر دلالت دارد که سبب گمراهی عده بسیاری می‌شود و بنابراین، با ضوابط و قوانین صدور معجزه در تضاد است (صدر، ۱۳۸۲: ص ۶۴۳). بنابراین، آیت الله صدر بر این باور است که دجال، نماد حرکتی ضد اسلامی در دوران غیبت کبرا، یعنی تمدن جدید اروپایی است که با چهره فریبنده خود، مردم جهان را به انحراف کشانده و از زمان حضرت آدم علیه السلام تاکنون چنین فتنه بزرگی روی نداده است. وی شنیده شدن صدای دجال در شرق و غرب عالم را نماد رسانه‌های پیشرفته‌ای می‌داند که در کوتاه‌ترین زمان ممکن اخبار را به سراسر جهان مخابره می‌کنند و انسان‌ها را از خدا و عالم بالا دور داشته‌اند (همان، ص ۶۶۲ و ۶۶۴).

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز بسیاری از خصوصیات ذکر شده در احادیث دجال را سمبولیک تفسیر می‌کند و آن‌ها را با ویژگی‌های فریبکاران و رهبران مادی جهان، سازگار می‌داند؛ زیرا

آن گونه که دجال یک چشم دارد؛ آن‌ها نیز تنها به ابعاد مادی زندگی می‌نگرند و چشم معنوی و انسانی خویش را از دست داده‌اند. همچنین الاغ دجال را نماد مرکب‌های سریع‌السیر کنونی می‌داند که در کوتاه‌ترین زمان، مسیری را طی می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ص ۱۴۵-۱۵۰).

۴-۳-۸. عدم توجه به برخی از مطالب مندرج در احادیث

مقاله الگار اگر چه به بسیاری از ویژگی‌ها و خصوصیات مربوط به دجال در منابع شیعه و اهل سنت پرداخته؛ برخی دیگر از آن‌ها را بیان نکرده است. استعاذه پیامبر ﷺ [از شر او به خداوند] (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ج ۲، ص ۲۱۹)؛ و انذار همه پیامبران در مورد خطر دجال (صدوق، ۱۳۵۹: ج ۲، ص ۵۲۹)؛ از جمله ویژگی‌هایی است که در منابع فریقین به آن‌ها پرداخته شده است؛ اما نویسنده مقاله به آن‌ها اشاره نکرده است. در این میان به هیچ یک از احادیثی که تنها در منابع شیعی نقل شده است؛ همانند دجال در تابوتی در آتش (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳۰، ص ۴۰۹) و زراعت و دجال (صدوق، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۲۵۰؛ طوسی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۳۸۴ و حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۹، ص ۳۳)؛ اشاره نشده است. نویسنده مقاله ظهور و خروج دجال را یکی از نشانه‌های برپایی قیامت به شمار آورده است (Algar, 2011)؛ این، در حالی است که برخی تفاسیر نمادگرایانه از مسئله دجال، با این دیدگاه مطابقت ندارد و در صورت صحیح بودن این دیدگاه‌ها، خروج دجال از نشانه‌های ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف به شمار می‌آید؛ زیرا اغلب این تفاسیر حکومت‌های مادی‌گرای کنونی را همان دجال می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ص ۱۷۵). همان گونه که الگار بیان کرده است، در میان احادیث دجال، اختلافات و گاه تناقض‌هایی دیده می‌شود. نویسنده در برخی از موضوعات، همچون مکان کشته شدن دجال، بدون اقامه هر گونه دلیلی تنها به ذکر برخی از احادیث پرداخته است (Algar, 2011)؛ و دیگر مکان‌های نام برده شده در احادیث، همچون بصره (ابن طاووس، ۱۳۹۸: ص ۱۳۴) و مصر (ابن حماد، ۱۴۲۳: ص ۳۶۴) را ذکر نکرده است. همچنین احادیث درباره چشم دجال، نکات متفاوتی را بیان می‌کنند. برخی از آن‌ها وی را تک چشم می‌دانند و بعضی دیگر، او را دارای دو چشم معرفی می‌کنند که یکی کور و دیگری بینا است. همچنین برخی از احادیث چشم راست دجال را نابینا و برخی چشم چپ او را نابینا دانسته‌اند (روحی برندق و دیگران، ۱۳۹۲: ص ۸۷-۱۰۹). با وجود این اختلافات، الگار در



مقاله خود، تنها به نقل مشهوری که بر مسموح بودن چشم راست دجال و درخشان بودن چشم چپ او دلالت دارد؛ اشاره کرده است (Algar, 2011)؛ و این، در حالی است که اگر هدف از مقاله صرفاً ارائه گزارشی درباره دجال در منابع اسلامی باشد، باید احادیث معارض نیز گزارش شوند و اگر هدف آن است که صحیح‌ترین دیدگاه‌های اسلامی در این موضوع بیان شوند، ضروری است که دلایل ترجیح هر یک، بیان گردد.

۳-۹. تصور عدم حل تناقضات حدیثی درباره دجال

الگار در این مقاله تأکید می‌کند که اغلب احادیث دجال در منابع اسلامی با یکدیگر در تناقض هستند. او در این زمینه می‌گوید:

احادیث مربوط به دجال در منابع سنی و شیعی بسیار و اغلب متناقض هستند. نکته قابل توجه این است که برای ایجاد سازگاری و هماهنگی بین آن‌ها هیچ تلاشی انجام نشده است. حتی نویسندگان شیعی که از دیدگاه آن‌ها دجال با ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به عنوان یکی از مؤلفه‌های اعتقادی آن‌ها، ارتباط دارد؛ به این کار نپرداخته‌اند (Ibid).

این، در حالی است که اگرچه بررسی همه احادیث دجال از حیث متن، سند و دلالت به پژوهشی مستقل نیاز دارد؛ برخی از محققان در آثار خود به بعضی ابهامات در این زمینه پاسخ داده‌اند. آیت الله صدر با طرح این مسئله که احتمالاً حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان رهبر جهان، به کشتن دجال فرمان می‌دهد و حضرت عیسی علیه السلام این فرمان را اجرا می‌کند، به تناقض ظاهری موجود میان احادیث درباره کشتن دجال پاسخ می‌دهد (صدر، ۱۳۸۴: ص ۱۳۰-۱۳۱). همچنین نجم‌الدین طبری در ضمن بحث از موضوعات مربوط به نشانه‌های ظهور، به برخی از احادیث دجال می‌پردازد و آن‌ها را از جهت سند و محتوا بررسی کرده و می‌کوشد احادیث جعلی و نادرستی را که منشأ تناقضات در احادیث مهدوی، به خصوص احادیث مربوط به دجال است؛ نمایان سازد (طبری، ۱۳۸۸: ج ۲، ص ۳۴۸-۳۷۶).

تلاش عالمانی چون آیت الله صدر و آیت الله مکارم شیرازی در ارائه تفسیرهای نمادگرایانه و جریان‌انگارانه از احادیث دجال را می‌توان نمونه‌هایی از کوشش پژوهشگران برای حل این تعارضات به شمار آورد. برخی دیگر از محققان، بر این باورند که ذکر مکان‌های مختلف برای خروج دجال گویای تعدد دجال‌ها است و این امر نشان دهنده تناقض در میان احادیث نیست.

این گروه از محققان، به حدیثی از رسول خدا ﷺ استناد می‌کنند که فرمود: «در امت من دجال‌ها و کذاب‌هایی خواهند آمد که سخنانی می‌گویند که شما و اجدادتان نشنیده‌اید. پس، از آن‌ها بپرهیزید» (سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۶، ص ۵).

۴-۳-۱۰. عدم بررسی سندی و دلالت‌های احادیث

محققان و پژوهشگران علوم دینی همواره با متونی در ارتباط هستند که احتمال ورود خطا و اشتباه و جعل در آن‌ها وجود دارد. از این رو، یکی از مهم‌ترین بخش‌های پژوهش‌های دینی، بررسی سندی و دلالت آیات و احادیث است. هر اندازه این کار با دقت بیش‌تری انجام گیرد، مطالب درست از نادرست مشخص‌تر می‌شود و تحقیق از اعتبار بالاتری برخوردار خواهد بود. به نظر می‌رسد بررسی سندی احادیث دجال، مورد توجه الگار در این مقاله نبوده است؛ زیرا برخی از احادیث همچون حدیث تمیم داری، دارای اشکالات سندی و محتوایی است (طیبی، ۱۳۸۸: ص ۳۴۵-۳۵۶)؛ اما نویسنده به این اشکالات هیچ اشاره‌ای نکرده است. اگرچه بررسی همه احادیث دجال از حیث سند و دلالت نیازمند پژوهش مستقلی است؛ ذکر این مطلب که حداقل برخی از احادیث مورد استفاده در این مقاله همچون حدیث تمیم داری، دارای اسناد مخدوش است؛ برای آگاهی مخاطب از این موضوع، به نظر ضروری می‌نماید.

۵. رویکرد مقاله در ارائه مطالب

یکی از مباحث مهم در زمینه بررسی و نقد نوشتارهای مختلف، شناسایی «رویکرد» محقق است. در میان رویکردهای مختلف در علوم اسلامی، «پدیدارشناسی» یکی از مشهورترین رویکردها در میان مستشرقان به شمار می‌آید. محقق در این رویکرد به دنبال «توصیف» یک پدیده است، نه در مقام «تبیین» آن:

از نظر پدیدارشناسان، دین صرفاً به زبان خودش فهم می‌شود و پدیدارهای دینی را باید به همان صورتی شناخت که خود را در تجربه انسان‌ها از امر مقدس نشان می‌دهند. از نظر بلیکر پدیدارشناسی دین، روی آوردی نقادانه و ناظر به توصیف دقیق توأم با حس همدلی نسبت به پدیدارهای دینی است» (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۵: ص ۳۳۳).

به نظر می‌رسد الگار نیز در مقاله دجال، بیش از آن‌که به دنبال تبیین موضوع دجال باشد، در

پی توصیف است. او با استفاده از احادیث اسلامی به توصیف ویژگی‌های دجال، مکان خروج، مکان کشته شدن دجال و ... پرداخته است. او در این پژوهش، چنان‌که لازمه همدلی با متون دینی در رویکرد پدیدارشناسی است، کوشیده است در تحلیل‌های خود دیدگاه‌های فرقه‌های مختلف اسلامی را بیان کند. او در تحلیل این موضوع که چه کسی دجال را خواهد کشت، پس از بیان دیدگاه اهل سنت مبتنی بر قتل دجال به وسیله حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام، دیدگاه شیعیان را نیز در این زمینه بیان و برای هر یک دلیلی ارائه می‌کند. او بر این باور است که عقیده اهل سنت مبتنی بر کشته شدن دجال به وسیله حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام قابل قبول است؛ زیرا او رقیب شرور حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام به شمار می‌آید. او همچنین کشته شدن دجال به وسیله حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام را با باورهای شیعیان درباره نقش مهم آخرالزمانی حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام متناسب می‌داند (Algar, 2011). بنابراین، نویسنده کوشیده است با استفاده از رویکرد پدیدارشناسانه به توصیف احادیث و دیدگاه‌های موجود درباره دجال بپردازد.

۶. نتیجه‌گیری

با بررسی و نقد مقاله دجال در ایرانیکا، شاهد نتایج زیر خواهیم بود:

۱. معرفی دجال در این دایرةالمعارف بر رویکرد پدیدارشناسانه مبتنی است. این رویکرد به بی‌طرفی این مقاله و توصیف منصفانه تا حد زیادی کمک کرده است.
۲. مقاله از لحاظ ساختاری و شکلی مقبول اهل تحقیق است. البته عدم عنوان بندی مطالب و نوعی خطای آوانگاری و اشتباه در ذکر تاریخ چاپ یک کتاب از اشکالات آن در این زمینه است.
۳. نویسنده از منابع مختلفی به زبان‌های گوناگون استفاده کرده است. او به کتاب‌های حدیثی شیعه و اهل سنت، آثار و دیدگاه‌های عرفا و همچنین به برخی آثار دانشمندان مسلمان معاصر در این مقوله مراجعه کرده است. با وجود این، او از کتب اربعه شیعه و آثار متقدم شیعه در این باره، از جمله *الغیبه نعمانی* و *الغیبه شیخ طوسی* استفاده نکرده است.
۴. محتوای مقاله دجال بر اساس سیری منظم و منطقی ارائه شده است.
۵. الگار در نگارش این مقاله، با حفظ امانت و دقت از منابع مختلف استفاده کرده است.
۶. در این مقاله به ابعاد کم‌تر مورد توجه قرار گرفته موضوع دجال؛ همچون دیدگاه‌های عرفا



درباره دجال توجه شده است.

۷. الگار در بخش واژه‌شناسی دجال، احتمالات گوناگون را بیان کرده است؛ اما برخی از تحلیل‌ها و استدلال‌های وی در این باره قابل نقد است؛ از جمله استدلال او درباره ریشه واژه دجال و علل مشهور بودن دجال به ضد مسیح و مسیح الدجال.

۸. هرچند نویسندگان به برخی منابع شیعی نیز مراجعه کرده است؛ در تحلیل‌ها و بیان دیدگاه‌های دانشمندان مسلمان، بر آثار علمای اهل سنت تأکید دارد و به دیدگاه‌های علمای شیعه، از جمله آیت الله صدر و آیت الله مکارم اشاره‌ای نمی‌کند.

۹. عدم توجه به برخی از موضوعات مطرح شده در احادیث، عدم بررسی اسناد احادیث و تصویر بی‌توجهی محققان اسلامی به حل تناقض‌های موجود در منابع اسلامی در موضوع دجال؛ از مواردی بود که در این مقاله قابل تأمل‌اند و از مؤلفه‌های قابل نقد مقاله مذکور به حساب می‌آیند.

۱۰. بنابراین، گرچه تصویر دجال در *دبیره‌المعارف/ایرانیکا* وجوه ضعفی دارد و کامل نیست؛ استفاده گسترده نویسنده از منابع اسلامی و تلاش برای رعایت بی‌طرفی در نقل احادیث، تصویر نسبتاً جامعی از دجال بر اساس منابع اسلامی ارائه می‌کند.

۱۱. پیشنهاد می‌شود محققان در پژوهش‌های مستقلی، به دیدگاه عرفا درباره دجال و همچنین سندشناسی احادیث مربوط به دجال پردازند.



منابع

۱. ابراهیم، علیرضا (۱۳۸۱). *مهذویت در اسلام و دین زرتشت*، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۶). *الاقبال بالأعمال المحسنة*، تصحیح: جواد قیومی اصفهانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۳. _____ (۱۳۹۸ق). *الملاحم و الفتن فی ظهور الغایب المنتظر* چاپ پنجم، قم، الشریف الرضی.
۴. ابن حماد، نعیم (۱۴۲۳ق). *الفتن ابن حماد*، چاپ دوم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۵. اسیری لاهیجی، محمد (۱۳۱۲ق). *مفاتیح الإعجاز فی شرح گلشن راز*، تصحیح میرزا محمد ملک الکتاب، بمبئی، بی نا.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*، تصحیح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۷. حسینی، غلام احیاء (۱۳۸۷). *شیعه پژهشی و شیعه پژوهان انگلیسی زبان*، قم، نشر موسسه شیعه شناسی.
۸. دوانی، علی (۱۳۸۴). *مهذی موعود*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۹. رازی، نجم الدین (۱۳۵۲). *مرموزات اسدی در مرموزات داوودی*، تحقیق: محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران، مؤسسه دانشگاه مک گیل کانادا شعبه تهران.
۱۰. روحی بزدق و دیگران (۱۳۹۲). «*چشم دجال در روایات شیعه و اهل تسنن*»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۲۸، ص ۸۸-۱۰۹.
۱۱. زمانی، محمد حسن (۱۳۸۷). *شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان: تاریخچه، اهداف، مکاتب و گستره فعالیت مستشرقان*، چاپ سوم، قم، بوستان کتاب.
۱۲. سیفی، حوری (۱۳۹۲). *بررسی و مقایسه مفهوم آخرالزمان در قرآن و سنت و متون زرتشتی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی علی غفاری، دانشگاه محقق اردبیلی.
۱۳. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق). *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۴. _____ (بی تا). *المهذب فیما وقع فی القرآن من العرب*، بی جا، مطبعة فضالة.
۱۵. صدر، محمد (۱۳۸۲). *تاریخ غیبت کبرا*، ترجمه: حسن افتخارزاده، تهران، نیک معارف.
۱۶. _____ (۱۳۸۴). *تاریخ پس از ظهور*، ترجمه: حسن سجادی پور، تهران، موعود عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۱۷. صدر، محمد (۱۴۱۲ق). *تاریخ الغیبة الصغری*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۱۸. صدوق، محمد بن علی (۱۳۵۹). *کمال الدین و تمام النعمه*، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۱۹. _____ (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمییه قم.
۲۰. صفی علیشاه، محمد بن حسن (۱۳۶۰). *اسرار المعارف و میزان المعرفة*، تهران، اقبال.



۲۱. طبسی، نجم‌الدین (۱۳۸۸). *تا ظهور تهران*، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). *تهذیب الاحکام*، تصحیح: حسن الموسوی خراسان، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۳. طیالسی، سلیمان بن داوود (۱۴۲۰ق). *مسند ابی داوود طیالسی*، بی‌جا، هجر.
۲۴. فرامرز فراملکی، احد (۱۳۸۵). *روش شناسی مطالعات دینی* (تحریری نو)، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۲۵. قبانچی، صدرالدین (۱۴۲۷ق). *الحركة الإصلاحية من الحسين عليه السلام إلى المهدي عليه السلام*، نجف اشرف، مرکز الدراسات التخصصیه فی الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۲۶. کامل، حیدر (۱۳۹۱). *۱۰۰ پرسش و پاسخ درباره دجال*، تهران، موعود عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۲۷. کورانی، علی (۱۴۳۰ق). *المعجم الموضوعی لاحادیث الامام المهدي عليه السلام*، بیروت، دار المرتضی.
۲۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴). *الحکومة العالمیه للإمام المهدي عليه السلام*، قم، مدرسه الإمام علی بن ابیطالب عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۳۰. _____ (۱۳۸۶). *حکومت جهانی مهدی عليه السلام*، چاپ پنجم، قم، نسل جوان.

31. Algar, Hamid, (2011), “Dajjal”, *Encyclopædia Iranica*, edited by Ehsan Yarshater, Encyclopaedia Iranica Foundation, California, Retrieved December 26, 2019, from <http://www.iranicaonline.org/articles/dajjal-the-great-deceiver-in-islamic-tradition-the-maleficent-figure-gifted-with-supernatural-powers-whose-advent-and-bri>
32. Abel, A., (1986), “Dadjjal”, *encyclopaedia of Islam (EI2)*, Edited by H. A. R. Gibb and others, New Edition, Brill, Leiden, v. 2, pp. 76- 77.
33. Algar, Hamid (1965), “About Professor Algar”, Retrieved December 26, 2019, from http://nes.berkeley.edu/Web_HamidAlgar/Algar.html.
34. Banuazizi, Ali, (1990), “Encyclopaedia Iranica by Ehasan Yarshater”, **International Journal of Middle East Studies**, Published by Cambridge University Press, V. 22, No. 3 (Aug. 1990), pp. 370- 373.
35. Soage, Ana Belen, (2005), “Hamid Algar, Wahhabism”, **Totalitarian Movements and Political Religions**, V. 6, No. 3 (December 2005), pp. 428- 430.